

ضرورت به کارگیری روش‌های تدریس فعال

است و همواره این سؤال برای صاحب‌نظران تعلیم و تربیت مطرح بوده است که: می‌خواهیم چه چیزی را و چگونه یاد بدهیم؟ «نحوه تدریس، بر توانایی‌های شاگردان برای آموزش، اثر بسیاری دارد. معلمان موفق تنها ارائه‌دهنده و متقاعدگر نیستند. آنان به شاگردان تکالیف سالم شناختی و اجتماعی می‌دهند و نحوه انجام مؤثر از آن‌ها را نیز می‌آموزند» (بهرنگی، ۱۳۸۲: ۳۱).

معلم باید فراگیرندگان را با مطالب یادگرفتنی درگیر سازد و راه و روش دانستن را به آن‌ها بیاموزد، نه اینکه صرفاً به انتقال اطلاعات و معلومات اکتفا کند. بعضی اوقات معلمان مطالب زیادی را تدریس می‌کنند، ولی بعداً متوجه می‌شوند دانش‌آموزان نمی‌توانند حتی مقدار کمی از آنچه را که مطرح شده است بازگو کنند.

«به کارگیری روش‌های فعال تدریس باعث می‌شود یادگیری تا عمق جان دانش‌آموزان رسوخ کند و آن‌ها نه تنها یافته‌ها و کشفیات خود را به سادگی فراموش نکنند، بلکه در طول زندگی آن را به صورت کاربردی به کار ببرند. بنابراین، یادگیری از طریق همیاری، دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد به صورت همیار با هم کار کنند تا به هدف مشترکی دست یابند» (آقازاده، ۱۳۸۴: ۸۵).

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم «عصر انفجار اطلاعات» نام‌گذاری شده است. بدیهی است که ما در این عصر نمی‌توانیم با تکیه بر شیوه معمول و با سعی در انباشتن ذهن یادگیرندگان از محفوظات، تقویت نیروهای مجرد ذهنی را به عنوان مقصد و نقطه مطلوب و منتهی‌الأمال خود در نظر بگیریم. در عصری که برخی کتاب‌ها قبل از بیرون آمدن از زیر چاپ، از نظر اطلاعاتی کهنه می‌نمایند و بیشتر مشاغل، نوآوری‌های سریع و مداوم را تجربه می‌کنند، اهداف غایی و کلی تعلیم و تربیت و جهت‌گیری آن باید متناسب با نیازهای فرد و جامعه تغییر کند. بنابراین، لازم است از روش‌های معمول در امر تدریس فاصله بگیریم و روش‌های فعال تدریس را در برنامه کار خود قرار دهیم.

اشاره

اصول و فنون و روش‌های تدریس، اعم از فعال و غیرفعال، از پیش‌فرض‌های آموزش و پرورش برگرفته شده‌اند. این پیش‌فرض‌ها شامل اعتقادات و ارزش‌ها، تجربه، تعقل و دستاوردهای علمی موجودند. در فرایند تدریس، معلم باید بتواند فنونی را برای ساده‌سازی مواد آموزشی به کار برد تا یادسپاری مطالب برای دانش‌آموزان عمیق شود. رمز این‌گونه یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی است که اساس آن کارایی و اثربخشی معلم و در نتیجه بهره‌وری است. معلمی که اطلاعات زیادی دارد اما نمی‌تواند تدریس را با شیوه‌ای درست انجام دهد، کارایی دارد ولی اثربخش نیست.

معلم اثربخش کسی است که با برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند زمان را در اختیار بگیرد و کارهایش را درست انجام دهد و سؤالات ترغیبی چالش‌انگیز برای دانش‌آموزان طرح کند. چنین معلمی به نیازهای یادگیرنده حساس است و آن‌ها را تشخیص می‌دهد. اهل تخصص و دانش و انعطاف‌پذیر است و با توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان و حصول اطمینان از فهم مطالب از سوی آنان، می‌تواند از روش‌های متفاوتی برای تدریس استفاده کند.

مقاله حاضر با روش توصیفی به شرح مختصری از پیش‌نیازهای تدریس اثربخش پرداخته و پس از آن لزوم بهره‌گیری از روش‌های فعال را تبیین و به برخی از روش‌های فعال تدریس هم‌اشاراتی کرده است.

کلیدواژه‌ها: طرح درس، الگوهای تدریس، روش‌های تدریس فعال

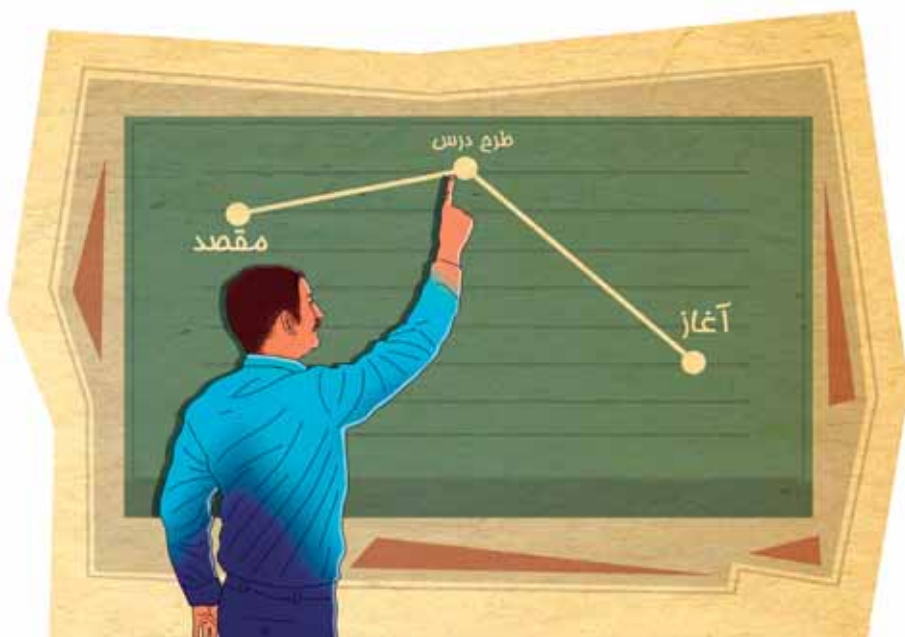
مقدمه

که در این میان مدرسه بیشترین سهم را برعهده دارد. سرانجام این رسالت خطیر بر عهده معلمان است. آن‌ها هستند که باید بتوانند دانش‌آموزان را به درستی تربیت کنند و برای کار و مشارکت در اجتماع آماده سازند» (خورشیدی، ۱۳۸۵: ۱۵).

آموزش و یادگیری وظیفه‌ای راهبردی

«اگرچه انسان آموختن را از هنگام تولد شروع می‌کند و در طول زندگی ادامه می‌دهد و بخشی از آموختنی‌ها به صورت غیرعمدی یا تصادفی در خانواده و جامعه صورت می‌گیرد، ولی بخش عمده‌ای از آن‌ها به نهادهای رسمی آموزشی سپرده می‌شود

معلمی که طرح درس دارد، نقطه آغاز، مسیر و مقصد او در تدریس کاملاً مشخص است



گروه‌های چندنفره و با مدل‌های متفاوت مثلاً یوشکل، آزمایشگاهی، نیم‌دایره‌ای یا دایره‌ای تقسیم‌بندی کنیم.

۹. فعالیتهای معلم و دانش‌آموز: در اینجا معلم نقش رهبر کلاس را دارد و زمینه‌ساز فعالیتهای فراگیرندگان است. دانش‌آموز هم درگیر فعالیتهای آموزشی است.

۱۰. الگوی تدریس: شامل روش یا روش‌های گوناگون تدریس است که معلم به اقتضای درس و کلاس از آن استفاده می‌کند.

۱۱. تعیین تکلیف: وظیفه‌ای است که معلمان برای دانش‌آموزان تعیین می‌کنند تا آن‌ها را در ساعات خارج از مدرسه انجام دهند.

انتخاب الگوی تدریس

الگوی تدریس طرح و برنامه‌ای کلی است که دانش‌آموزان را در یادگیری انواع مطالب، مهارت‌ها و نگرش‌ها یاری می‌دهد. این الگو از پشتوانه‌های نظری-فلسفی برخوردار است و مراحمی دارد که برای دستیابی به نتایج مطلوب تربیتی طراحی شده است.

«الگوهای تدریس ابزار کار تلقی می‌شوند و هر اندازه که ما با روش‌های متفاوت آشنا باشیم، ابزارهای متعددی را در اختیار خواهیم داشت. توسط این ابزارها می‌توان محتوا و مواد دلخواه را با توجه به عامل زمان و مکان، در اختیار دانش‌آموزان قرار داد» (خورشیدی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

الگوهای تدریس باعث می‌شوند دانش‌آموزان و معلمان بتوانند ذخیره‌ای از راهبردهای کسب آموزش و پرورش را در خویش توسعه دهند. الگوهای تدریس در رشد و توسعه فردیت و افزایش توان تفکر خلاق، روشن، عاقلانه، و ساختن مهارت‌ها و تعهدات اجتماعی، به شاگردان کمک می‌کنند و باعث خودآموزی، خودکنترلی و خودسازی

نام مدرسه، نام کلاس و مدت‌زمان تدریس.

۴. هدف کلی: نتایجی که انتظار می‌رود پس از فرایند یاددهی و یادگیری عاید دانش‌آموزان شود.

۵. هدف یا هدف‌های جزئی: به دلیل مبهم بودن هدف‌های کلی، لازم است آن‌ها را به اجزای کوچک‌تری تقسیم کرد تا صراحت بیشتری داشته باشند. هدف‌های جزئی گام‌هایی هستند برای رسیدن به هدف کلی و غالباً با فعل‌های غیرفعلی نظیر دانستن، اعتقاد داشتن، فهمیدن، درک کردن، پی‌بردن و غیره نوشته می‌شوند (قورچیان و همکاران، ۱۳۷۷).

۶. هدف‌های رفتاری: رفتار، حرکات، آثار و مهارت‌های قابل مشاهده و سنجش که پس از یادگیری هر درسی از دانش‌آموزان سر می‌زند.

۷. ارزشیابی تشخیصی: برای آگاهی از میزان اطلاعات و توانایی‌های دانش‌آموزان در مورد موضوع تدریس انجام می‌شود. هدف از آن پیوند دانسته‌های پیشین فراگیرنده با موقعیت جدید یادگیری است.

۸. مدل کلاس (ایجاد فضای مناسب یادگیری): یعنی دانش‌آموزان را به

شروع کار هر معلم

معلم کارآمد قبل از اینکه به مدرسه برود و در کلاس تدریس کند، لازم است ابتدا خود را برای تدریس آماده کند. لازمه آمادگی او به کار بستن موارد زیر است:

تهیه طرح درس

«طرح درس عبارت است از برنامه‌ریزی و سازمان دادن به مجموعه فعالیت‌هایی که معلم براساس هدف‌های آموزشی، محتوای درس، توانایی‌های دانش‌آموز، و برای زمانی مشخص و معین تدوین می‌کند. به بیان دیگر، داشتن طرح درس یعنی با نقشه وارد کلاس شدن. معلمی که طرح درس دارد، نقطه آغاز، مسیر و مقصد او در تدریس کاملاً مشخص است. به‌طور کلی، طرح درس برنامه‌ریزی و سازمان دادن به فعالیت‌هایی است که معلم و دانش‌آموز برای رسیدن به اهداف یادگیری انجام می‌دهند» (خورشیدی، ۱۳۸۵: ۳۶).

اجزای تشکیل‌دهنده طرح درس به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱. ماده درس:** نام درس یا سندی که باید تدریس شود.
- ۲. عنوان یا موضوع:** موضوع درسی که معلم باید تدریس کند.
- ۳. مشخصات:** شامل نام و نام خانوادگی،

تدریسی که در آن بر فعالیت شاگرد تأکید شود، تدریس فعال نامیده می‌شود



در دانش‌آموزان و معلمان می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۳).

براساس آخرین طبقه‌بندی، الگوهای تدریس در چهار خانواده اصلی تقسیم‌بندی شده‌اند. این خانواده‌ها عبارت‌اند از: ۱. خانواده پردازش اطلاعات؛ ۲. خانواده تدریس اجتماعی؛ ۳. خانواده تدریس فردی؛ ۴. خانواده سیستم رفتاری. اگرچه هر یک از خانواده‌های الگوهای تدریس نسبت به تدریس رویکردی متمایز دارند، اما به هیچ وجه متضاد نیستند و می‌توان از عناصر و مؤلفه‌های آن‌ها به صورت ترکیبی سود جست. این امر مستلزم خلاقیت، تجربه و مهارت علمی و حرفه‌ای است (بهرنگی، ۱۳۸۲).

«تسلط معلم بر روش‌ها و فنون آموزشی یکی از ملاک‌های شایستگی معلمان به حساب می‌آید. در واقع، بسیاری از صاحب‌نظران این ملاک را بر دیگر ملاک‌های شایستگی معلمان ترجیح می‌دهند. پیروان این ملاک معلم را مانند فرد صاحب فن دیگری می‌دانند که هر چه بر فوت‌وفن کارش بیشتر مسلط باشد، در کارش موفق‌تر خواهد بود» (ملکی، ۱۳۸۵: ۹۷).

در تدریس موفق و اثربخش، علاوه بر شخصیت، و مقام و منزلت معنوی و اعتبار معلم نزد شاگردان، شناخت انواع روش‌های تدریس و توانایی به‌کارگیری آن‌ها در کلاس درس از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. چرا که اگر روش‌های تدریس به کار گرفته شده نامناسب باشند و با محتوای مورد مطالعه هم‌خوانی نداشته باشند، یا اینکه معلمان به روش‌های تدریس مورد استفاده تسلط نداشته باشند، در این صورت معلوم نخواهد بود که در مدارس و کلاس‌های درس، بر سر اهداف آموزشی که همه تلاش‌ها و امکانات در خدمت تحقق آن‌ها هستند، چه خواهد آمد. تدریس می‌تواند زیبا، دلچسب و برانگیزاننده، امیدبخش، اثربخش و پویا باشد، وقتی که معلمان در به‌کارگیری روش‌های تدریس مهارت داشته

باشند. تسلط بر روش‌های تدریس از آنجا در امر آموزش اهمیت دارد که گروهی از صاحب‌نظران و علمای تربیت، تسلط بر آن را مهم‌تر از دانش و اطلاعات علمی معلم ارزیابی کرده‌اند.

به‌طور کلی، تجربه نشان داده است معلمانی که به روش‌های تدریس مسلط بوده‌اند، از دیگر همکاران خود که تنها به اطلاعات علمی تکیه داشته‌اند، موفق‌تر بوده‌اند (یغما، ۱۳۶۹: ۹).

استفاده از روش‌های تدریس فعال

روش‌های تدریس فعال روش‌هایی هستند که بتوانند فعالیت‌های دانش‌آموزان را تقویت و یادگیری را به جریان دوسویه تبدیل کنند (فضلی‌خانی، ۱۳۷۸). معلمانی که از روش‌های فعال تدریس استفاده می‌کنند، کلاس‌های شادتری دارند. زیرا آنان در تدریس خود از روش‌های فعال آموزشی کمک می‌گیرند و نوعی یادگیری توأم با فعالیت، تجربه و پیگیری را کشف می‌کنند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰).

«روش» عبارت است از سازمان‌دهی فرایند یاددهی - یادگیری و «روش تدریس» عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد براساس طراحی منظم و هدف‌دار معلم برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (شعبانی، ۱۳۸۴).

تدریسی که در آن بر فعالیت شاگرد تأکید شود، تدریس فعال نامیده می‌شود.

روش فعال روشی است که در آن دانش‌آموزان در جریان یاددهی - یادگیری نقش فعالی بر عهده دارند. آن‌ها به بحث می‌پردازند، مسائل را حل و تمرین می‌کنند و با استفاده از راهنمایی‌های معلم به کسب تجربه مشغول می‌شوند. به عبارت دیگر، تعاملی دو طرفه بین معلم و شاگرد وجود دارد. در روش‌های غیرفعال، وظیفه اساسی بر دوش و عهده معلم است، در حالی که در روش‌های فعال، معلم نقش راهنما و هدایت‌کننده را ایفا می‌کند و دانش‌آموز در جریان یادگیری نقش مؤثری دارد. او در واقع مطالب مورد بحث را یاد خواهد گرفت، چرا که خود تجربه می‌کند و در نتیجه تجربه در کار، تمایلات و اعمال او به تغییر منجر می‌شود. روح روش‌های فعال تدریس با فعالیت شاگرد سازگار است. در روش‌های فعال، مهارت‌های ذهنی سطح بالا نظیر فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب، قضاوت و ارزشیابی، و همچنین روابط گروهی تقویت می‌شوند. دانش‌آموزان در گروه‌های گوناگون فعالیت می‌کنند و از طریق بحث و گفت‌وگو و تصمیم‌گیری درخصوص مباحث، با الگوهای رفتاری مناسب و مطلوب آشنا می‌شوند.

در روش فعال معلم نقش تشنه‌کننده دارد نه سیراب‌کننده. او ذهن را از تعادل و سکون و ارضای موجود خارج می‌کند تا خود فرد از طریق قانون طبیعی و اصل تعادل جویی به تعادل دست یابد. علاوه بر مواردی که ذکر شد، ویژگی‌های زیر را نیز می‌توان به روش‌های

فعال نسبت داد. در روش‌های تدریس فعال:

- قدرت بیان و استدلال شاگردان رشد می‌کند.
- آموزش برای شاگرد دلچسب و لذت‌بخش می‌شود.
- دانش‌آموزان در حل مسائل توانایی بیشتری پیدا می‌کنند.
- دانش‌آموزان از خود خلاقیت بیشتری نشان می‌دهند.
- مسئولیت‌پذیری شاگردان بیشتر می‌شود.
- رشد شخصیت شاگردان از ابعاد متعدد مدنظر است.
- دانش‌آموزان با یکدیگر همکاری و تعاون دارند.
- بین معلم و شاگرد و شاگرد با شاگرد ارتباط مناسب برقرار است.
- انتقال دانش صرف مدنظر نیست.
- سعی می‌شود علاوه بر حواس از قدرت عقل نیز بهره گرفته شود.
- نحوه انجام کار و فعالیت برای شاگردان توسط معلمان معین شده است.
- معلم به پیشرفت درسی شاگردان علاقه نشان می‌دهد.
- به موضوعی که باید یاد گرفته شود، اهمیت داده می‌شود.

برخی از روش‌های تدریس فعال عبارت‌اند از:

۱. روش اعضای گروهی؛ ۲. روش بارش مغزی؛ ۳. روش پیش‌سازمان‌دهنده؛ ۴. روش تفکر استقرایی؛ ۵. روش حل مسئله؛ ۶. روش دریافت مفهوم؛ ۷. روش ساختارگرایی؛ ۸. روش فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ ۹. روش کاوشگری.

وسایل کمک آموزشی

«از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در هر کشور، کیفیت و کمیت پروراند نظام آموزشی است که آن هم به چگونگی برنامه‌ریزی نظام اطلاعات برای ارائه به فراگیرندگان و نیز فرایند یاددهی - یادگیری بستگی دارد. استفاده بهینه از فناوری آموزشی در جریان تدریس، به سبب فعال کردن حواس

فراگیرندگان، امر آموزش را واقعی‌تر می‌کند و ضمن غنی کردن کیفیت تدریس و یادگیری، کارایی تعلیم و تربیت را ارتقا می‌بخشد» (پیری، ۱۳۸۲: ۴۳).

استفاده از وسایل کمک آموزشی موجب افزایش کارایی معلمان در تدریس می‌شود، مطالب درسی را برای دانش‌آموزان عینی‌تر، جذاب‌تر و عمیق‌تر می‌کند، و در افزایش یادگیری و پایدار ساختن آموخته‌های دانش‌آموزان تأثیر اساسی دارد. یافته‌های تجربی در حوزه روان‌شناسی حکایت از آن دارند که قریب ۷۵ درصد از آموخته‌های انسان، از طریق حس بینایی و ۲۵ درصد بقیه از طریق سایر حواس حاصل می‌شوند (ملکی، ۱۳۸۴).

این بدان معناست که آموزش و پرورش می‌باید بیش از پیش نسبت به فراهم ساختن محیط و موقعیت‌های مستعد فراگیری بصری اقدام کند و به عصر حاکمیت فراگیری از طریق شنوایی یا آموزش زبانی در محیط‌های آموزشی پایان دهد.

نتیجه‌گیری

تدریس اثربخش و مؤثر یکی از شاخص‌های آموزش و پرورش پویاست. معلمان برای رسیدن به تدریسی اثربخش از راه و روش‌های خاصی استفاده می‌کنند و با توجه به موضوعات درسی از آن‌ها بهره می‌جویند. در این راه معلمان موفق هستند که به شاگردان خود مطالب شناختی و اجتماعی را به خوبی عرضه می‌دارند و نحوه به کارگیری مؤثر آن‌ها را می‌آموزند. به علاوه، با آمادگی از نظر جسمی، روحی روانی و علمی وارد کلاس می‌شوند، برای تدریس از طرح درس استفاده می‌کنند، از دانش‌آموزان در فرایند یادگیری کمک می‌گیرند، و بر کلاس نظارت مداوم و بر مطالب درسی تسلط کامل دارند. مدیریت شایسته‌ای در کلاس دارند و منظم هستند. با خوش‌رویی با شاگردان برخورد می‌کنند و دانش‌آموزان را به‌طور انفرادی می‌شناسند و به شخصیت آنان احترام می‌گذارند. با رعایت تمام این موارد است که می‌توان از یک تدریس خوب و مؤثر بهره جست.

در نهایت باید گفت که بهبود تعلیم و تربیت در هر کشوری، بر کیفیت معلم و استوار کردن نقش معلم به‌عنوان مدیر آموزش در کلاس درس مبتنی است.

پس لازم است برنامه‌های مختلف آموزشی و کلاس‌های ضمن خدمت، برای آموزش تدریس فعال و برتر برای معلمان از طرف مسئولان امر تدبیر شود تا معلمان بتوانند و حرفه‌ای در امر تدریس داشته باشیم.

در گذشته، تدریس براساس دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت به معنی انتقال معلومات بود، اما صاحب‌نظران جدید تعلیم و تربیت بر این باورند که معلم باید روش یادگیری را به دانش‌آموز بیاموزد نه اینکه صرفاً به انتقال فرمول‌ها و معلومات اکتفا کند. معلم باید دانش‌آموز را کمک کند تا خود تجربه کند و از طریق تجارب خود، مطالب را فراگیرد.

لذا توجه به کیفیت و شیوه تدریس معلمان باید امری بسیار ضروری و جدی تلقی شود و برنامه‌ریزان و مسئولان موظف‌اند که فرصت‌های لازم برای آشنایی هرچه بیشتر معلمان با روش‌ها و الگوهای جدید و خلاق تدریس را فراهم و شرایط و امکانات را برای اجرای موفقیت‌آمیز این روش‌ها آماده کنند.

* منابع

۱. شعبانی، حسن (۱۳۷۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس - ج اول). سمت. تهران.
۲. پیری - موسوی (۱۳۸۲). موانع بهره‌گیری از فناوری آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری از دیدگاه دبیران دبیرستان‌های استان آذربایجان غربی. رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۸.
۳. یغما، عادل (۱۳۶۹). کارایی و بهره‌دهی تکنولوژی آموزشی. رشد تکنولوژی آموزشی. بهمن‌ماه.
۴. بهرنگی، محمدرضا (۱۳۸۲). مدیریت آموزشی و آموزشگاهی. ناشر: مؤلف. تهران.
۵. صفوی‌زاده، نسرین و آقا حسینی، تقی (۱۳۸۳). شیوه‌های مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباط با دانش‌آموز. انتشارات حدیث امروز. قزوین.
۶. قورچیان، نادرقلی و همکاران (۱۳۷۷). نظریه‌های یادگیری و نظریه فرانشاخت در فرایند یاددهی و یادگیری. انتشارات تربیت. تهران.
۷. اقتصاده مجرم (۱۳۸۴). راهنمای روش‌های نوین تدریس. انتشارات آبیژ. تهران.
۸. ملکی، حسن (۱۳۸۵). مهارت‌های اساسی تدریس. نشر نیکان. زنجان.
۹. سلیمان‌پور، جواد (۱۳۸۰). کاربرد الگوهای تدریس در آموزش. نشر دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
۱۰. خورشیدی عباس (۱۳۸۵). روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات سیسرون. تهران.